

مخمس آلوی خدرات

نویسنده

ثریا دهقان



۱۳۹۲

دهقان، ثریا، ۱۳۷۲ -
ذرات غم آلود/ نویسنده ثریا دهقان.

شیراز: همارا، ۱۳۹۲.

۱۴۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۲۲-۰۹-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴

رده کنگره: ۱۳۹۱ ۷۳۳۲۵۴/هـ/۵۵ PIR

رده دیویی: ۱۹۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۲۰۳۰۲



www.hamaralib.ir

عنوان: ذرات غم آلود

نویسنده: ثریا دهقان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۲

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰ ریال

طرح جلد: حسین پناهی

ناظر چاپ: مریم رهبر

صفحه آرایشی و چاپ: نشر همارا

نشانی: شیراز، فلکه گاز، کوچه ۱۱، درب اول سمت چپ،

طبقه اول، مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی همارا

تلفن: ۰۹۱۷۷۱۱۱۷۸ - ۲۲۸۷۶۹۳

لیدر

از همه بی عزیزی که مراد تیهی این کتاب یاری کردند، به ویژه دیران و دوستان نهایت
قدردانی را دارم.

بمسکرا از آثانی که مراد زندگی تنگداشتند تا بتوانم بنویسم.

لیدر

تام دخترانی که آو بی پری خود را حتی در سادترین حالات به نمی توانند بیان کنند.
بچنین کسانی که در انتظار مردی از نزدیکی خداوند هستند، تا ناله ایشان را ساد و بی تکلف به
کوش خدا برسانند.

ساکزاری

از بخاری آقایان فریدون محمدی و رضا دانشمندی ساکزاریم.

کجا؟

از بالای سرم،

سرپوش آسمان را برداشته‌اند

و فضای بی‌کرانه‌ی منتهی نمودار شده است.

و من خود را همچون سلیقه‌ی موهومی می‌یابم

که در صحرای افتاده است.

و چون روح آواره‌ی کویر که بی‌قرار و محسوس،

خاک بر افلاک می‌فشاند.

و در اندام تنک درختان خشک و نوید می‌چید

و کشته‌اش را می‌جوید و نمی‌یابد.

ذات خویش را می‌جویم و نمی‌یابیم.

دکتر علی شریعتی

مقدمه

جملاتم را با ساده‌ترین کلمات نوشتم. تا بگوییم: بدون آرایش، ضعیف هستم، راه حلی برای زندگی ندارم، فقط می‌نویسم و این نوشتن‌ها هم با جملاتی ضعیف ساخته می‌شوند. هر کس که بخواند، شاید متوجه چیزی نباشد ولی شاید درک کند که رنجیده‌ام، اما از چه؟ معلوم نیست این نوشته‌ها برای هر فردی خنده‌آور است. هر کسی می‌خواند و به جملات ضعیف می‌خندد و نمی‌داند که با چه غذایی که در دل داشته توانسته این جملات را در کنار هم قرار دهم. هیچ کس را بدهکار نمی‌دانم، کسی را مدیون خود نمی‌بینم، چرا که هیچ‌کس مسئول زندگی و پاسخ‌گوی دردهای من در جامعه جز خدا نیست. و منتظرم در جهان دوم که خداوند وعده داده، سؤال‌های ریزی که در میان آدمیان ارزشی برای پاسخ‌گویی ندارند را از او بپرسم. وگرنه در این جهان کاری از من ساخته نیست.

ثریا دهقان

سخنی با مخاطب

این نوشته‌ها را برای 'این نوشتن' تا نمکی باشد برای زخم کسانی که نبودنشان مقدم بر بودنشان است.

قبل از اینکه این کتاب به چاپ برسد، برای نظر خواهی و رفع اشکال چندی از بزرگان و صاحب نظران این داستان‌ها را خواندید و تکتک آنها نظری یکسان داشتند: نظر بر اینکه زندگی شخصی خود را نوشتن و برای بهتر کردن روحیه‌ام نظری داشتند و چاره‌ای.

نویسنده قبل از اینکه خود را مطرح کند در فبال قشر خاصی از جامعه مسئول است. مراقب دل‌های شکننده‌ی کودکان و والدینی هستند که گاهی به جای پاسخ به یکدیگر اشک را پیش قدم می‌کنند.

می‌نویسم تا مثل همه‌ی قصه‌های دیگر اگر لایق باشد، در قفسه‌ی کتاب‌ها بماند و هر از گاهی محل خواندن آن را خاطره‌ای در گنجینه‌ی خاطرات بدانند.

این کودکان از جنس خود ما هستند که دوست ندارند کسی برایشان دل بسوزاند. از قصه‌های فقر و بدبختی بیزارند. وقتی می‌بینند؛ مدتی با قصه‌ی فقر آنها، برای خود درآمدی دارند، به حال خود گریه می‌کنند.

اگر از کسی بپرسی؛ چرا خداوند ندارها را به بنده‌ی ثروتمند سفارش کرده؟! در پاسخ خواهی شنید؛ در عوض اجرشان و جایگاهشان با هر عذابی در محضر خدا افزون‌تر می‌شود.

من هم برای اینکه جایگاه چنین افرادی را تا مقام فرشتگان بالا ببرم، می‌نویسم. می‌خواهم بخوانند و گریه کنند و افسوس بخورند تا ثواب کارشان نوشته شود.

«شرح حال خود را نوشتن یعنی؛ حسب حال نویسی نه داستان. اشتباه نکنید.»

ثریا دهقان

پیش‌گفتار

خوب بودن و خوب زیستن نخستین آرزوی هر انسان در جامعه است که از شروع حیات، اندیشه و عقل خویش را برای نیل به این هدف به کار می‌گیرد. اما در مسیر حرکت خواسته یا ناخواسته اتفاقاتی پیش می‌آید که در ادامه‌ی زندگی و موفقیت تأثیر گذار است. عده‌ای با حُرَن و اندوه مبارزه می‌کنند و موفق به صعود به قله‌ی رفعت و عظمت می‌شوند و عده‌ای در کمرکش ناملایمات‌ها و مشکلات در دره‌ی ظلمت سقوط می‌کنند. این نویسنده نوجوان ما با گذر از سختی‌ها و ناکارهای قصه‌ها و خاطرات نوید بخش خود، گرچه در طفولیت به غمی عظمی گرفتار شده، اما مقتدرانه قلم امید در دل تاریکی‌ها نسانده و سرافرازانه به افق روشن زندگی خواهد رسید. چرا که درد آشنای دردهای غمبار و رهنورد صخره‌های پُر خار زندگی نوجوانان و همسالان خود می‌باشد و به خوبی از تجربه‌ی گرانمایش برای ارشاد دیگران بهره گرفته است.

امید است با تشویق و ترغیب این نوجوان مستعد شاهد خلق آثار پربارتر در جهت شور و شوق جامعه همراه با دگرگونی در زیبایی‌های زندگی‌اش باشیم.

شیراز، خرداد ۹۲ امراله یوسفی

فهرست

داستان کوتاه

- ۱۳ (۱) یک کوچه با دلی تنها
۲۲ (۲) ماه درخواست از خدا
۳۴ (۳) رمانه، معنمی برای بی وفایی
۳۵ (۴) خطی سیاه برای نوشتن
۴۴ (۵) در سیاهی شب
۴۵ (۶) درد و خدا
۶۹ (۷) مانعی برای آرزوهای زینب
۷۳ (۸) گره بر تار و یود عشق

داستانک

- ۷۹ (۱) نگاد دوست
۸۰ (۲) نوازش خدا
۸۱ (۳) دستم رو ول کن، بزرگ شدم

- ۸۲ (۴) گریه‌ای به دنبال فرصت
 ۸۳ (۵) دروغ به خاطر دوستی
 ۸۴ (۶) امیدی دیگر در زمانی کوتاه
 ۸۵ (۷) انشای لیلا
 ۸۶ (۸) شب بلدا
 ۸۷ (۹) چهارشنبه سوری
 ۸۸ (۱۰) موری که نباید آورده می‌شد
 ۸۹ (۱۱) تنهایی به همراه دوستان

شاید که خاطره باشد

- ۹۱ (۱) انسانی در اندیشه دیوانگی